



مقام معظم رهبری مدظلّه العالی عاشورا یک جریان

مستمر و سرمشق دائمی برای امت اسلام است.

ولایت پذیری و ولایت ستیزی

در جریان عاشورا

مرکز تخصصی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

شهریور ماه ۱۳۹۸

تهیه کننده: معاونت پژوهشی

جلوه های بی نظیری از ولایت مداری یاران خاص امام در عاشورا در تاریخ بشر بی نظیر است. گذشته از بستگان و خانواده امام و اهل بیت که ولایت مداری را با عشق و عاطفه پیوند زده و شیدای ابا عبدا...الحسین علیه السلام بودند، یاران آزمون شده و گزینش شده امام نیز هر یک در وفاداری و پایبندی بر عهد خود تا پای جان الگویی ابدی از انسان آرمانی را به جهان نشان دادند. اصحاب امام حتی بعد از اینکه امام در شب عاشورا بیعت خود را از آنها برداشت در یاری امام استوار ایستادند تا به بشر در همه تاریخ درس آزادگی و حیات با عزت و ایثارگری با جهاد و شهادت را بیاموزند.

منابع:

۱. www.mehrnews.com
۲. bultannews.com
۳. www.masjed.ir
۴. <https://hawzah.net>



هستند که منجر به ولایت ستیزی و دشمنی با دین خدا می شوند.

کر بلا آینه‌ای پیش روی همه اعصار است که انسان‌ها بدانند جنگ با ولایت، جدال حق و باطل است. کسانی که روز عاشورا در صف لشکریان عمر سعد بودند، مسلمانی بودند که با نیت تقرب الی الله و با وضو و ذکر تکبیر به قتال می‌پرداختند. آنها به واسطه طغیان در برابر ولایت، به جایی رسیدند که حتی انسانیت خود را فراموش کردند.

ریشه های واقعه عاشورا:

بی‌گمان آثار عاشورا از محرم سال ۶۱ تاکنون تداوم داشته و حتی به عصر حاضر نیز محدود نمی‌شود و تا قیام حضرت صاحب الزمان (عج) که منتقم خون سیدالشهدا علیه السلام و به ثمر رساننده امامت در شکل آرمانی خود در آخرالزمان است؛ قیام سالار شهیدان جوشش و برکات خود را ادامه می‌دهد. بدون شک نشناختن حق و ولی حق یکی از ریشه های واقعه عاشورا بود. اما عهد شکنی کوفیان و رویارویی با امام آن هم بعد از دعوت از ایشان برای حضور در کوفه خسارت و قبح ولایت ستیزی کوفیان را دو چندان می‌کند. می‌توان گفت دنیاگریزی، ترس از مرگ، نشناختن زمانه و درک نادرست از اوضاع، و نیز ناآگاهی توده مردم در این بین اثرات زبان بار بیشتری در ولایت ناپذیری کوفیان داشت. اما در حلقه بعدی جلوتر دانستن خود نسبت به امام هم سطح دیگری از ولایت ناپذیری خویشان و نزدیکان امام که امام را از قیام برحذر می‌داشتند؛ نشان داد. حلقه بعدی صحابه و تابعین حاضر در مکه بودند که در خطبه های متعدد امام در ایام حج، پیام امام را شنیدند اما از یاری امام سرباز زدند و حتی امام را به دلیل ناتمام گذاشتن اعمال حج ملامت کردند! در نقطه مقابل ولایت ناپذیری؛ خلق

تأمل در تاریخ اسلام نشان می دهد که اوج مسأله ولایت پذیری در تاریخ اسلام در حادثه کربلا رخ داده است. در مکتب عاشورا شهیدانی پرورش یافتند که هویت خویش را در پیوستگی با عنصر ولایت تعریف کرده بودند.

عاشورا را باید مکتبی بزرگ دانست که تمام تاریخ و همه انسان‌ها به نوعی شاگرد آن هستند؛ درس‌هایی که در قالب این مکتب به نسل دیروز و امروز منتقل می‌شود، آنچنان وسیع و گسترده است که ابعاد مختلف زندگی بشر را در بر می‌گیرد که به سادگی قابل تبیین نیست.

به عنوان نمونه، یکی از درس‌های بزرگ عاشورا که به مثابه دانشگاه انسان سازی است، درس ولایت پذیری است؛ چرا که کیفیت ولایت پذیری و ولایت‌مداری اصحاب امام حسین علیه السلام را در هیچ دوره تاریخی نمی توان یافت. همچنان که ولایت ستیزی بیشتر مردم دوران حضرت امام حسین علیه السلام نیز موضوعی مهم و قابل تأمل است که از یکسو خیانت مستمر آنان به خاندان وحی، لکه ننگی بر دامان جامعه اسلامی بود. از سوی دیگر عبرت و درس بزرگی برای جامعه امروز ماست تا اولاً جلوه‌ها و بسترهای ولایت‌مداری عاشورا را بشناسیم و بر اساس این شناخت به بصیرت لازم برسیم چنان که شایسته یک مسلمان واقعی است در مقابل ولیّ زمان خویش عمل کنیم.

با دقت در مصداق‌های ولایت ستیزی و شناخت عاقبت و سرنوشت ولایت ستیزیان از زندگی آنان درس عبرت بگیریم تا مبدا در امتحان ولایت‌مداری این عصر، شرمسار و سرافکننده شویم و در مقابل ولی امر خویش همچون کوفیان عمل کنیم.

ولایت پذیری در جریان عاشورا:

ولایت پذیری یعنی تن دادن به ولایت خدا و رسول و اهل بیت علیهم السلام و واگذاری جریان تدبیر امور به ایشان. این معنا مرادف با ورود به حیطة سلطنت الهی و تسلیم محض در برابر ولیّ و اطاعت بی چون و چرا از اوست. کسانی که در مقابل ولایت سر تسلیم فرود می آورند در راه تحقق اراده ولیّ از همه‌ی آنچه دارند می گذرند. همه‌ی تعلقات انسان ولایت پذیر در برابر مولا رنگ می بازد. زمانی که ولایت پذیرفته می شود، عشق به پدر و مادر و فرزند و همسر و مال و پست و مقام و ... بی اثر می شود و جای خود را به سرسپردگی و تفویض می دهد.

روز عاشورا روز تجلیّ کامل ولایت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام است. آنچه یاران و فرزندان امام حسین علیه السلام به عنوان ارمغانی بهتر از شهادت در روز عاشورا به دست آوردند، کشف «رموز ولایت» سیدالشهداء بوده است؛ لذا عاشورا نمایش جلوه‌ای از ولایت امام حسین علیه السلام است که به عنوان مظهر ولایت حقیقت محمدیّه همانند چشمه‌ای جاری است که آب حیات را به کام تشنگان فیض رحمت می‌رساند. می‌بینیم که اصحاب اباعبدالله الحسین علیه السلام مخصوصاً قمربنی هاشم این فیض و این امر را کشف کرده‌اند و اعلام کردند، اگر در کوی ولایت تو شهید شویم به زندگی ابدی دست خواهیم یافت.

نمونه دیگر واقعه‌ی شهادت حضرت مسلم و هانی بن عروه است. پس از ورود ابن زیاد به کوفه، مسلم به خانه‌ی هانی بن عروه پناهنده شد تا ابن زیاد از حضور وی در کوفه مطلع نشود. ابن زیاد به واسطه‌ی جاسوس‌هایی که معین کرده بود، جایگاه مسلم را پیدا کرده و با حيله‌ای هانی را به دارالاماره کشاند و از وی خواست تا مسلم را حاضر نماید.

هانی بن عروه امتناع کرد و در جواب مسلم بن عمرو باهلی که از او خواسته بود تا مسلم را به ابن زیاد تحویل دهد گفت: «به خدا قسم این کار باعث رسوایی و ننگ من است که من کسی را که در پناه من و مهمان من و فرستاده پسر پیغمبر من است به دشمن بسپارم در صورتی که دست‌های من سالم و یار و یاور فراوان دارم. به خدا قسم اگر هیچ کس مرا یاری نکند و تنها باشم با زور تسلیم نخواهم کرد تا پیش از او بمیرم.

نمونه دیگر تشریف زهیر بن قین است. صحنه‌ی زیبایی ولایت‌مداری همسر زهیر که باعث شد تا زهیر بن قین در ردیف اصحاب خاص امام علیه السلام قرار بگیرد.

ولایت ستیزی در جریان عاشورا:

رویگرد دیگر در جریان عاشورا، ولایت ستیزی است. تهاجم و مقابله با ولیّ و صرف امکانات در این راه، با وجود علم به حقانیت او از مظاهر ولایت ستیزی است. ترجیح اراده غیرولایی بر اراده ولایی در اثر غلبه هوای نفس، به امید نیل به خواسته‌های زودگذر دنیوی باعث می شود که شیعه علی علیه السلام به جای آن که بر اراده ولیّ گردن نهد. در جهت مخالف او حرکت کند و مانع تحقق آن شود. عمرسعد در کربلا خطاب به امام حسین علیه السلام گفت: می دانم که پسر فاطمه و نوه رسول خدایی، اما با تو می جنگم تا به حکومت ری برسیم. بخشی از کوفیانی که به امام نامه نوشتند و از او برای قیام دعوت کردند، به واسطه ضعف اراده در عدم پذیرش ولایت الهی و با وعده کیسه‌ای درهم و دینار، روز عاشورا با انکار نامه خود، بر خاندان رسول الله شمشیر کشیدند. عدم شناخت مقام ولایت و راحت طلبی و ترجیح منافع شخصی و حزبی بر امر مولا، همه از عواملی